

توانمندسازی اجتماع محور: ارزیابی ظرفیت سرمایه اجتماعی ذی نفعان محلی

عبدالباستط مرادزاده^۱، محمد قاسمی^{۲*}، حبیب‌الله سالارزهی^۳، نورمحمد یعقوبی^۴، جواد بذرافشان^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲. دانشیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. استاد، دانشکده مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۴. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱)

چکیده

سرمایه اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای اساسی برنامه‌ها و رویکردهای توانمندسازی اجتماع محور در راستای توسعه پایدار جوامع محلی بوده و همه الزاماتی را که در مدیریت مشارکتی ضروری است، در خود جای داده است. این پژوهش با هدف ارزیابی موقعیت کنشگران و سرمایه اجتماعی ذی‌نفعان، برای بررسی میزان آمادگی برای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه محلی در بخش کورین از توابع شهرستان زاهدان انجام گرفته است. پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی، و به لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، ۵۰۱ خانوار ساکن در دهستان سرجنگل است که در آن تصمیم بر اجرای طرح مشارکتی بنیاد برکت گرفته شده است. براساس فرمول کوکران، نمونه پژوهش، ۲۱۷ نفر از سرپرستان خانوار برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی آزمون تی، با ارزش ثابت و آزمون اندازه‌های مکرر به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان داد وضعیت موجود مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی، نامطلوب، و وضعیت مؤلفه انسجام اجتماعی در سطح قابل قبول است. همچنین، یافته‌های مربوط به اولویت‌بندی مؤلفه‌ها نشان داد انسجام اجتماعی، بالاترین رتبه، و اعتماد اجتماعی، پایین‌ترین رتبه را در مقایسه با سایر شاخص‌ها دارند.

کلیدواژگان

توانمندسازی اجتماع محور، ذی‌نفعان محلی، سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌سازی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: m_ghasemi@mgmt.usb.ac.ir

مقدمه

یکی از موفق‌ترین رویکردها در توانمندسازی جوامع محلی، رویکرد مدیریت مشارکتی مبتنی بر سازگاری^۱ است که بر محتوای آن تأکید شده است. برای دستیابی به مدیریت پایدار جوامع محلی، راهی جز در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و علائق و منافع همه افراد تحت تأثیر در جامعه وجود ندارد. بنابراین، از شناسایی و تحلیل پیچیدگی‌های نظام اجتماعی ناگزیر خواهیم بود. همچنین، در این رویکرد، بر جلب مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های مدیریتی تأکید شده است که در هر منطقه، با توجه به بافت اجتماعی و اکولوژیکی آن، این فرایند اجرایی می‌شود (Bodin & Prell, 2011, p.48).

مقوله‌ای که در این چرخش از پارادایم سنتی به جدید، بسیاری از صاحب‌نظران بر آن تأکید کرده‌اند، تقویت و اهمیت نقش «سطوح محلی»^۲ و حضور انجمن‌ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم‌گیری با تأکید بر نقش شهروندان و مشارکت واقعی آن‌ها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره است. بنابراین، از دیدگاه فریدمن، اگر به دنبال عدالت اجتماعی بیشتر، محیط زیست سالم‌تر و تنوع فرهنگی بیشتری هستیم، باید تعریف جدیدی از برنامه‌ریزی بیان کنیم و این تعریف بی‌شک نیازمند یک تغییر بنیادی در مفهوم برنامه‌ریزی است (رضازاده و سلسله، ۱۳۹۲، ص ۸۲). در این میان، سرمایه اجتماعی یا بعد معنوی اجتماع، از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی، ضمن آنکه می‌تواند به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را امکان‌پذیر کند، زمینه‌ساز و مبنای شکل‌گیری مدیریت اجتماع‌محور یا مشارکتی نیز می‌باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲).

سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک متغیر، و عامل مهم در پیوند بخش‌های

1. Co-management

2. Local levels

مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی درون شبکه‌های مختلف اجتماعی و جایگزینی برای شاخص‌های امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، موضوعی است که در دو دهه اخیر مورد توجه و تأکید اندیشمندان شاخه‌های مختلف علوم انسانی قرار گرفته است. نتایج مطالعات انجام گرفته نشان داده است سرمایه اجتماعی، آثار فراوانی بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع دارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری کافی و برنامه‌ریزی شده برای تقویت سرمایه اجتماعی، می‌تواند موجبات رشد همه‌جانبه را فراهم کند. بنابراین، اولین گام برای برنامه‌ریزی جامع در این زمینه، شناسایی سطح سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف است (محمدیان منصور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۵-۴۴).

بیان مسئله

یکی از چالش‌های توسعه روستایی، بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی روستاییانی است که به صورت هزاران خرده‌فرهنگ در پهنه جغرافیایی کشور ایران گسترده شده‌اند و شناخت این سرمایه قطعاً روند برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی را برای متخصصان مربوطه تسهیل می‌کند و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامه‌ها به همراه دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۰). از سویی، ظرفیت و توانمندی پایین جوامع محلی برای حضور در فرایند توسعه، چالش و تنگنای عمده‌ای فراوری مسئولان و نهادهای دولتی ذیربط است. بر همین اساس، توجه به سرمایه اجتماعی در این رویکرد، اهمیت فراوان دارد. بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی یکی از روشهای کم‌هزینه و مطمئن برای دستیابی به توسعه محلی اجتماع محور است. قابلیت و کارایی بالای این سرمایه در تبیین و حل مسائل و مشکلات پیش روی جامعه بشری، زمینه را برای نیل به پایداری فراهم می‌کند. بنابراین، توسعه پایدار، سلامتی محیط و دستیابی به پایداری، با مشارکت همگانی و انباشت سرمایه اجتماعی امکانپذیر می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲). بر همین اساس، مؤسسات و سازمان‌های ملی و بین‌المللی بسیاری، ترویج توسعه با رویکرد مشارکتی و اجتماع محور را اساس برنامه‌ها و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. در این میان، استان سیستان و بلوچستان، پهنه گسترده و مستعدی در جنوب شرق کشور است که برخلاف استعدادهای فراوان، در بسیاری از شاخص‌های

توسعه‌ای از میانگین کشوری پایین‌تر است. به نظر می‌رسد نشناختن قابلیت‌های بالقوه این منطقه مرزی، عاملی مهم در روند توسعه‌نیافتگی استان محسوب می‌شود. از جمعیت ۲۷۷۵۰۱۴ نفری استان مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵، معادل ۵۱/۴ درصد، یعنی ۱۴۲۷۳۳۲ نفر (۳۶۹۲۲۶ خانوار) در مناطق روستایی ساکن هستند، که البته از لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی، اکثر مناطق روستایی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. این وضعیت علاوه بر ضربه‌زدن به پیکره بافت روستایی، باعث خواهد شد در گذر زمان، بسیاری از این روستاییان روانه شهرها شوند و به‌طور عمده، در حاشیه مناطق شهری سکنی گزینند. پیامد این مهاجرت آسیب‌زا، علاوه بر ازبین‌رفتن پتانسیل‌های بالقوه مولد در روستاها، باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی نیز در حاشیه شهرها خواهد شد. بنابراین، حضور فعال رویکردهای اجتماع‌محور در این منطقه می‌تواند ضمن بالفعل‌کردن توانمندی‌های بی‌شماری که در منطقه وجود دارد، به همراهی جامعه محلی در پروژه‌های دولتی نیز منجر شود. مبتنی بر همین رویکرد، رطی سالیان گذشته، بنیادهای فعال در حوزه طرح‌های توسعه با رویکرد اجتماعی و مشارکتی، در مناطق محروم‌تر استان، شروع به فعالیت کرده‌اند، که از این میان، می‌توان به پروژه منارید در سیستان و پروژه بنیاد برکت در بخش کورین از توابع شهرستان زاهدان اشاره کرد. از آنجا که پروژه بنیاد برکت به‌زودی فعالیت‌های توسعه‌ای - اجتماعی خود را در روستاهای بخش کورین شهرستان زاهدان آغاز خواهد کرد، باید متولیان پروژه از سطح فعلی سرمایه اجتماعی آگاهی یابند تا ضمن استفاده بیشتر از نقاط قوت، کاستی‌های سرمایه اجتماعی در منطقه مورد نظر را با راهکارهای مؤثر رفع کنند تا روند اجرا و بهره‌برداری از پروژه با سودمندی بیشتری همراه باشد. ضمن اینکه براساس نتایج این پژوهش، میزان سرمایه اجتماعی بعد از پروژه نیز ارزیابی و آثار اجتماعی آن بررسی شود. در همین زمینه، پرسش‌هایی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آن است، عبارت‌اند از:

پرسش اصلی: وضعیت موجود متغیر سرمایه اجتماعی در راستای توانمندسازی اجتماع‌محور

ساکنان منطقه مورد پژوهش چگونه است؟

و پرسش‌های فرعی به شرح زیر است.

۱. وضعیت موجود شاخص اعتماد اجتماعی در راستای توانمندسازی اجتماع محور ساکنان منطقه مورد پژوهش چگونه است؟
۲. وضعیت موجود شاخص مشارکت اجتماعی در راستای توانمندسازی اجتماع محور ساکنان منطقه مورد پژوهش چگونه است؟
۳. وضعیت موجود شاخص آگاهی اجتماعی در راستای توانمندسازی اجتماع محور ساکنان منطقه مورد پژوهش چگونه است؟
۴. وضعیت موجود شاخص انسجام اجتماعی در راستای توانمندسازی اجتماع محور ساکنان منطقه مورد پژوهش چگونه است؟

مبانی نظری

توانمندسازی اجتماع محور یکی از محورهای اساسی اخیر در مباحث توسعه و گفتمان پساتوسعه بوده است. این رویکرد با محور قراردادن مردم و سازمان‌های غیردولتی، توسعه را از پایین به بالا، و از درون جامعه به پیش می‌برد. محلی‌گرایی، سازمان‌های غیردولتی و مردم محلی از جمله مهم‌ترین متغیرهای توسعه مردمی هستند. در این رویکرد، دولت برخی سازمان‌های غیردولتی مردم محور و نهادهای غیردولتی را توانمندسازی می‌کند تا عهده‌دار به پیش بردن توسعه در زمینه‌های مختلف محلی و منطقه‌ای شوند. تعامل با مردم محلی از طریق بعضی فرستادگان دولتی، مثل مهندسان، کشاورزان، اقتصاددانان و... براساس یک پویایی متقابل و توانمندکردن آن‌ها، از دیگر محورهای توسعه مردمی است (Seyfang & Smith, 2007, p.585). از همین رو، در طول سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۹، بانک جهانی حدود ۸۵ بلیون دلار به برنامه‌های توسعه مبتنی بر جامعه اختصاص داده است (Mansuri & Rau, 2013, p.15).

در حالی که بسیاری از محققان بر توانمندسازی به عنوان یک رویکرد «قدرت سیاسی» دوجانبه متمرکز شده‌اند، روند اخیر تحقیقات، به طور فزاینده‌ای، توانمندسازی را به عنوان ساختاری چندبعدی، با ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته‌اند (Boley et al., 2017; Strzelecka et al., 2014). در همین راستا، شیونز (۱۹۹۰-۲۰۰۲)، چهار بُعد توانمندسازی

اجتماع محور را توانمندسازی اقتصادی، روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی معرفی کرده است (Dangi & Jamal, 2016, p.10).

در این میان، سرمایه اجتماعی به دلیل ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت مشارکت محلی، ارتقای آگاهی اجتماعی و افزایش اعتماد متقابل از رهگذر تعامل بین ذی‌نفعان، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهاده‌سازی رویکردهای اجتماع‌محور دارد. این سرمایه از طریق ایجاد سازمان‌های اجتماعی بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه‌ای شکل می‌گیرد که کارایی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می‌بخشد و ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها را بر دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می‌کند، بالعکس، فقدان آن به بروز محدودیت‌هایی در فرایند توسعه در سطوح مختلف منجر می‌شود (Ho & Phi, 2011, p.11). این نوع از سرمایه، موقعیت‌ها و روابطی است که درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امکان دسترسی به فرصت‌های شغلی، نظریه‌ها، قدرت و نفوذ اطلاعات، راهنمایی‌ها، سرمایه مالی، اعتماد و همکاری، حمایت احساسی و خیرخواهی را افزایش داده است (Ogada, 2013, p.7; Ramazanpour et al., 2014, p.599). مشارکت اجتماعی و همدلی، شبکه‌ها و هنجار مشترک، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، تعاون و همکاری متقابل و هویت جمعی (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۱).

به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی در مشارکت‌های روستایی متضمن تعامل بین مهارت‌ها و رفتارهای افراد از یک‌سو و ویژگی‌های اجتماعی و ارتباطات شبکه‌های گسترده‌تر اجتماعی از سوی دیگر است (Angela & Sarah, 2016, p.102). در این زمینه، پژوهش‌های مختلف با تأکید بر ظرفیت‌سازی برای ایجاد اجتماعات، توسعه آن‌ها را منوط به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌دانند و به این مهم اشاره می‌کنند که سرمایه اجتماعی، پیش‌نیاز فرایند توسعه اجتماعات محلی خواهد بود. زیرا سرمایه اجتماعی، در ساختار روابط میان کنشگران نهفته است، کنش‌های اجتماعی را تسهیل کرده است (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۱۲)، و قابلیت‌های رسمی و غیررسمی را برای اجرای مؤثر سازوکارهای توانمندسازی اجتماع‌محور فراهم می‌کند (Nilson et al., 2016, p.93).

آگاهی، اعتماد، مشارکت اجتماعی و فرهنگ دموکراتیک و صلح‌محور از مبانی سرمایه اجتماعی در جوامع دموکراتیک به حساب می‌آیند. جوامعی که حضور همه‌اشار را برای مشارکت

در جامعه فراهم کنند، علاوه بر پیشبرد توسعه، به افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در جامعه از جمله آگاهی، اعتماد، مشارکت اجتماعی و فرهنگ دموکراتیک، کمک فراوانی خواهند کرد. به هر حال، ربط وثیق جامعه مدنی و ساختار انسانی درون آن به سرمایه اجتماعی، باعث به وجود آوردن مناسبات دموکراتیک و بومی برای سبک توسعه مردمی می‌شود (Willis & Stoeker, 2013, p.455).

بهره‌گیری از این توانایی به «رهیافت‌های مردم‌گرا»^۱ نیاز دارد و مشارکت مردمی بهترین عامل نیل به آن است. به این ترتیب، به دنبال سیاست‌هایی که مشوق بهره‌گیری از رهیافت‌های مشارکتی در توسعه روستایی هستند، نقش اصلی سازمان‌های مرتبط را باید در تشویق «خودتکایی»^۲، «خودمختاری»^۳ و اجرای برنامه‌های «خودیار»^۴ در روستاها جست‌وجو کرد (عابدی سروستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲).

پیشینه پژوهش

بعد از دهه‌ها فعالیت و مداومت، رویکرد پژوهشی مبتنی بر جامعه، در حال تبدیل شدن به جریان اصلی در بسیاری از مؤسسات آموزش عالی و سازمان‌های اجتماعی در سراسر جهان است (Hall et al., 2015, p.68). در جدول ۱، پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته در راستای پژوهش حاضر بیان شده است.

به منظور ارزیابی ظرفیت سرمایه اجتماعی، به صورت تلفیقی و براساس مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش و مطالعات سایر پژوهشگران (از جمله احمدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عزیزپور فرد و همکاران، ۱۳۹۳؛ رضایی و زارعی، ۱۳۹۳؛ زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ باباخانی و واحدی، ۱۳۹۶؛ کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۶؛ حیدری ساربان و همکاران، ۱۳۹۵؛ سرگلزایی جوان و هادیانی،

-
1. People-oriented
 2. Self-reliance
 3. Self-determination
 4. Self-help

۱۳۹۵؛ پومکا، ۲۰۰۶؛ جوآن، ۲۰۱۳؛ کریستوفر و همکاران، ۲۰۱۶؛ لینگزو و همکاران، ۲۰۱۷؛ اماکیلی و همکاران، ۲۰۱۷) مؤلفه‌هایی تعیین شد. بر همین اساس، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که در پژوهش حاضر ارزیابی شدند، شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و انسجام اجتماعی است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته

پژوهشگر/پژوهشگران	موضوع پژوهش	یافته‌ها
رحمت‌اللهی و همکاران (۱۳۹۵)	کاهش سرمایه اجتماعی؛ دولت و مشارکت مردم	انتقال قدرت به شهروندان، منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.
ملک‌حسینی و همکاران (۱۳۹۵)	ارزیابی کیفی وضعیت سرمایه اجتماعی با به‌کارگیری نظریه بنیانی	بررسی عناصر سرمایه اجتماعی از قبیل احساس اعتماد، مشارکت، عمل‌گرایی اجتماعی و همکاری
هادرادی و همکاران (۱۳۹۵)	ارزیابی سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان در راستای توانمندسازی جوامع روستایی	تأثیر سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماع‌محور بر رفاه اجتماعی روستاییان
حسن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶)	ارزیابی سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان در راستای توسعه پایدار محلی	میزان اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی پس از اجرای پروژه RFLDL ^۱ افزایش یافته است.
کاسپر (۲۰۱۲)	اندازه‌گیری انباشت سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی	فراتر از ابزارهای مالی، سطح بالایی از انگیزش منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.
کریستوفر و همکاران (۲۰۱۶)	سرمایه اجتماعی، اعتماد و انطباق آن‌ها با تغییرات اقلیمی: شواهدی از مناطق روستایی	سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی اتیوپی به افزایش همکاری منجر شده است.
توچی (۲۰۱۷)	توسعه اجتماع‌محور و سرمایه اجتماعی: شواهدی از مراکش	تغییر از تمرکزگرایی به محلی‌گرایی، باعث افزایش مسئولیت‌پذیری افراد به جامعه شده است.

۱. پروژه بین‌المللی توانمندسازی جوامع محلی با هدف احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافت

روش پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی ظرفیت سرمایه اجتماعی با رویکرد توانمندسازی اجتماع محور در ساکنان دهستان سرجنگل از توابع شهرستان زاهدان بوده است. از این رو، ماهیت پژوهش، توصیفی و شیوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی بوده و به لحاظ هدف نیز، از نوع کاربردی-توسعه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را همه ساکنان دهستان سرجنگل که تصمیم بر اجرای طرح مشارکتی بنیاد برکت در آن گرفته شده است، تشکیل می‌دهند. جامعه آماری شامل ۵۰۱ خانوار ساکن در دهستان سرجنگل است که براساس فرمول کوکران، نمونه مورد پژوهش، ۲۱۷ نفر از سرپرستان خانوار برآورد شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته «ارزیابی سرمایه اجتماعی» که با توجه به چهار بعد «اعتماد اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی»، «آگاهی اجتماعی» و «انسجام اجتماعی»، طراحی شده است. بعد اعتماد اجتماعی هفت پرسش دارد که اعتماد را هم در سطح اجتماعی و هم نهادی بررسی می‌کند. در واقع، میزان اعتماد روستاییان به خود و دیگران با این شاخص سنجیده می‌شود. بعد مشارکت اجتماعی هفت پرسش دارد، که میزان حضور و تمایل روستاییان به مشارکت در فعالیت‌های رسمی و همچنین، داوطلبانه و اجتماعی را بررسی می‌کند. سومین بعد سنجش، آگاهی اجتماعی است که پنج پرسش دارد و میزان آگاهی روستاییان از مسائل، مشکلات، نیازها و چالش‌های توسعه روستا را ارزیابی می‌کند. در نهایت، آخرین بعد سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی است که سطح انسجام محلی در قالب داشتن احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر را می‌سنجد. بر این اساس، برای سنجش قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در دهستان سرجنگل از توابع بخش کورین شهرستان زاهدان از پرسشنامه‌ای ۲۷ پرسشی بهره گرفته شد که ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۶۶ به دست آمد (البته با حذف پرسش‌های ۱۸ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ که باعث کاهش پایایی می‌شدند)، و روایی آن نیز با روایی سازه بررسی شد.

برای این منظور با تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، ساختار عاملی پرسشنامه بررسی شد. شاخص کفایت نمونه‌گیری برابر ۰/۶۷ و نتیجه آزمون بارتلت با درجه آزادی ۲۱۶، در سطح معناداری صفر برابر ۰/۰۱ به دست آمد. برای تعیین مناسب‌ترین عامل‌ها،

چرخش متمایل، با فرض همبسته بودن متغیرها، انجام گرفت و با توجه به ارزش‌های ویژه، عامل‌های یادشده در جدول ۲، استخراج شدند. با توجه به ارزش‌های ویژه، همهٔ عامل‌ها، ارزش بالاتر از ۰/۷ داشتند که روی هم رفته، ۹۲ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی را تبیین می‌کنند. بنابراین، چهار عامل مشاهده شده توانسته‌اند با توان بالا، خطای پایین و به صورت معنادار، متغیر سرمایه اجتماعی را اندازه‌گیری کنند. پس از برازش الگوی عاملی، شاخص‌های نیکویی برازش بررسی شد و یافته‌ها نشان داد ابزار پژوهش، با توان مناسبی متغیر سرمایه اجتماعی را اندازه‌گیری کرده است.

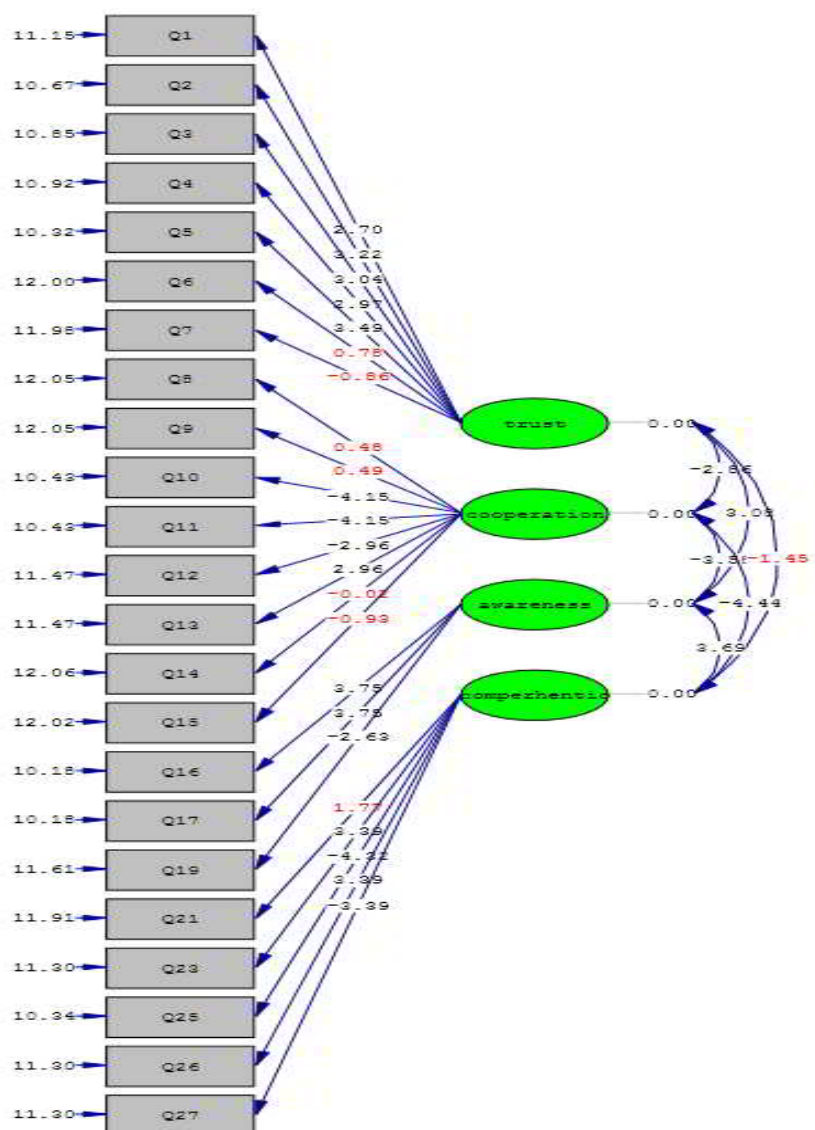
جدول ۲. ارزش‌های ویژه و نام‌گذاری عامل‌های ابزار پژوهش و شاخص‌های نیکویی برازش

شمارهٔ عامل	عامل	مقدار ویژه	درصد تجمعی
X1	مشارکت اجتماعی	۳۶/۴۶	۳۶/۴۶
X2	آگاهی اجتماعی	۲۸/۹۸	۶۵/۴۵
X3	اعتماد اجتماعی	۱۹/۲۰	۸۴/۶۵
X4	انسیجام اجتماعی	۶/۴۳	۹۱/۰۸

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص‌های نیکویی برازش	مقادیر شاخص‌ها
خی‌دو	۱۱۶/۱۱
سطح معناداری	۱
درجهٔ آزادی	۲۱۶
نسبت خی‌دو به درجهٔ آزادی	۰/۵۱
تقریب رشتهٔ میانگین مجذور خطا	۰/۰۰۰
نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۷
نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۹۶
برازش مقایسه‌ای (CFI)	۱

براساس یافته‌ها و با توجه به میزان شاخص‌های اصلی و فرعی برازندگی، چهار شاخص و ۱۶ پرسش تأیید شد. پرسش‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵ و ۲۱ در مدل برازش شده بار عاملی مطلوبی نداشتند که در نهایت، حذف شدند.



شکل ۱. معناداری شاخص‌های سرمایه اجتماعی

یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها، در بخش توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی آزمون تی، با ارزش ثابت و آزمون اندازه‌های مکرر انجام گرفت. قبل از به‌کارگیری آزمون‌های پارامتریک باید نرمال بودن داده‌ها تأیید شود. با توجه به قضیه حد مرکزی و تعداد بالای حجم نمونه (۲۱۷ نفر) توزیع داده‌ها نرمال در نظر گرفته شد.

به منظور بررسی وضعیت موجود شاخص‌های سرمایه اجتماعی، از دیدگاه روستاییان، آزمون تی با ارزش ثابت گرفته شد. در این آزمون برای محاسبه ارزش ثابت شاخص‌ها، عددی که بالاترین ارزش تعیین شده برای پرسش‌های پرسشنامه را داشتند، در تعداد کل گویه‌های هر شاخص ضرب شد و در نهایت، امتیاز حاصل شده که حداکثر امتیاز پرسشنامه است، منهای حداقل امتیاز پرسشنامه شد، سپس، عدد حاصل، بر عدد ۲ تقسیم شد، در نهایت، عدد پایانی، به علاوه حداقل امتیاز پرسشنامه شد تا نمره حد وسط امتیازات حاصل شود.

جدول ۴. وضعیت موجود شاخص‌های اعتماد، مشارکت، آگاهی و انسجام اجتماعی، آزمون تی با ارزش ثابت

متغیر	تعداد	میانگین تقسیم بر گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ارزش ثابت	مقدار تی	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین
اعتماد اجتماعی	۲۱۷	۲٫۸۵	۱۴٫۲۸	۲٫۳۰	۱۵	-۵٫۳۳	۲۱۶	۰٫۰۰۰	-۰٫۷۱
مشارکت اجتماعی	۲۱۷	۲٫۱۱	۸٫۴۷	۰٫۸۵۵	۱۲	-۷٫۰۳	۲۱۶	۰٫۰۰۰	-۳٫۵۲
آگاهی اجتماعی	۲۱۷	۱٫۳۱	۳٫۹۴	۰٫۷۳	۹	-۱۱٫۸۳	۲۱۶	۰٫۰۰۰	-۵٫۰۵
انسجام اجتماعی	۲۱۷	۳٫۴۴	۱۳٫۷۶	۰٫۴۲	۱۲	۷۱٫۳۲	۲۱۶	۰٫۰۰۰	۱٫۷۶

همان‌طور که در داده‌های جدول ۴ مشاهده می‌شود، می‌توان دریافت میانگین اعتماد، مشارکت و آگاهی اجتماعی از مقدار ارزش ثابت کمتر است و تفاوت میانگین با ارزش ثابت در سطح تشخیص ۰٫۰۵ معنادار است. بنابراین، وضعیت موجود شاخص‌های سه‌گانه یادشده در حد مطلوبی نمی‌باشد. اما میانگین انسجام اجتماعی از مقدار ارزش ثابت بیشتر است و تفاوت میانگین با ارزش ثابت در سطح تشخیص ۰٫۰۵ معنادار است. بنابراین، وضعیت موجود انسجام اجتماعی در حد مطلوبی است.

به منظور بررسی وضعیت موجود سرمایه اجتماعی، از دیدگاه روستاییان، آزمون تی با ارزش ثابت در نظر گرفته شد. در این آزمون، مانند آنچه بیان شد، ارزش ثابت این متغیر محاسبه شد نمره حد وسط امتیازات پرسشنامه ۴۸ حاصل شد.

جدول ۵. وضعیت موجود سرمایه اجتماعی، آزمون تی با ارزش ثابت

متغیر	تعداد	میانگین تقسیم بر گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ارزش ثابت	مقدار تی	درجه آزادی	معناداری (دودامنه)	تفاوت میانگین
سرمایه اجتماعی	۲۱۷	۲,۵۲	۴۰,۴۷	۳,۷۵	۴۸	-۳۴,۲	۲۱۶	۰,۰۰۰	-۷,۵۲

براساس جدول ۵، میانگین سرمایه اجتماعی از مقدار ارزش ثابت کمتر است و تفاوت میانگین با ارزش ثابت در سطح تشخیص ۰,۰۵ معنادار است. بنابراین، وضعیت موجود سرمایه اجتماعی در حد مطلوبی نمی باشد.

نتیجه گیری

یکی از عناصر اساسی توانمندسازی جامعه محلی، سرمایه اجتماعی است که نبود آن، پروژه‌های توسعه‌ای را با مشکل مواجه می کند. در پژوهش‌های مرتبط با ارزیابی سرمایه اجتماعی ذی نفعان، دو رویکرد وجود دارد. «رویکرد ارزیابی سرمایه اجتماعی قبل از اجرای پروژه» و «رویکرد ارزیابی سرمایه اجتماعی بعد از اجرای پروژه». در رویکرد اول، تلاش بر این است تا میزان سرمایه اجتماعی سنجیده شود و با شناخت سطح آن، برنامه‌های ترمیمی مناسبی در برای ارتقای میزان سرمایه اجتماعی انجام گیرد. در رویکرد دوم، آثار پروژه‌های اجتماع محور بر میزان تغییرات سرمایه اجتماعی در مناطق مورد نظر بررسی می شود. در پژوهش حاضر، مبتنی بر رویکرد اول، میزان سرمایه اجتماعی ساکنان «دهستان سرچنگل» از توابع شهرستان زاهدان بررسی شد. بنیاد برکت مبتنی بر مدل‌های اجتماع محور و مشارکتی و در راستای توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و کمک به محرومیت زدایی، تفاهم نامه مشارکت با جوامع محلی و روستایی را با استانداری سیستان و بلوچستان منعقد کرده است. از آنجا که توانمندسازی جامعه محلی، یکی از اهداف اصلی اجرای

پروژه‌های یادشده است، بررسی سطح آمادگی اجتماعی جامعه محلی برای کارآمدترکردن این قبیل پروژه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. اگر روحیه مشارکت، میزان اعتماد مردم به خود یا دیگران، آگاهی اجتماعی و نیز انسجام اجتماعی بین ساکنان در سطح پایینی باشد، روند اجرا با چالش‌های زیادی همراه خواهد بود. بر این اساس، در پژوهش حاضر، ظرفیت سرمایه اجتماعی موجود در بین ساکنان منطقه بررسی شود، تا متولیان با درک مناسبی از اوضاع اجتماعی منطقه، ضمن تقویت نقاط مثبت، به رفع نواقص و کمبودهای احتمالی بپردازند.

مبتنی بر یافته‌های تحقیق، مشخص شد سطح مؤلفه‌های اعتماد، مشارکت و آگاهی اجتماعی در ساکنان این منطقه مطلوب ارزیابی نمی‌شود. اما مؤلفه انسجام اجتماعی از وضعیتی مطلوب برخوردار است. بر این اساس، تقویت مؤلفه‌های سه‌گانه‌ای که در ارزیابی این پژوهش، از موقعیت مطلوبی برخوردار نیستند، قبل از اجرای پروژه، ضروری به نظر می‌رسد. در همین زمینه، در پژوهش‌های باباخانی و واحدی (۱۳۹۶)، کاکاوند و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی و همکاران (۱۳۹۴)، حسن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، ملک‌حسینی و همکاران (۱۳۹۵)، رحمت‌اللهی و همکاران (۱۳۹۶)، نمایان و میر (۱۳۹۶)، حیدری ساریان و همکاران (۱۳۹۵)، سرگلزایی جوان و هادیانی (۱۳۹۵)، تران و همکاران (۲۰۱۸)، ماتسوکاوا و تاتسوکی (۲۰۱۸)، موسکاردو و همکاران (۲۰۱۸)، و لانگ و فینک (۲۰۱۸)، بر اهمیت تقویت سرمایه اجتماعی در توانمندسازی جوامع محلی و موفقیت در برنامه‌های توسعه‌ای تأکید شده است. در رابطه با نتایج پژوهش حاضر، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مؤلفه انسجام اجتماعی، که وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه دارد، متأثر از ساختار اجتماعی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان است. این ساختار، به‌طور عمده، مبتنی بر مناسبات قومی، طایفه‌ای و متأثر از بافت فرهنگی و باورهای محلی است. بدین مفهوم که اکثر زیرمعیارهای این مؤلفه، به‌طور طبیعی در میان ساکنان مناطق روستایی وجود دارند و قرارگرفتن اکثر افراد هر روستا در ذیل پایگاه اجتماعی «قوم» به انسجام اجتماعی بیشتر در این مناطق منجر شده است. ضعیف‌بودن سایر مؤلفه‌ها، به صورت عمده، حاصل عواملی است که با برنامه‌ریزی توسط هم

سیستم دولتی و هم تسهیل‌گران غیردولتی و نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی امکان تقویت آن‌ها وجود دارد. مؤلفه مشارکت اجتماعی، اگرچه در بُعد محلی و در بین ساکنان منطقه وجود دارد، اما در بُعد همکاری و مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای کم‌رنگ است. فرهنگ مشارکت در بین روستائیان از گذشته‌های دور، به‌ویژه در اموری از قبیل کشاورزی، ازدواج جوانان و ساخت خانه وجود داشته است و روستائیان (شاید به دلیل قرابت فامیلی)، در اموری از این قبیل با یکدیگر همکاری دارند. اما مشارکت این ساکنان در زمینه ساخت و توسعه پروژه‌های دیگر (از قبیل ساخت مدرسه، کتابخانه، مکان‌های فرهنگی، ورزشی و...) چشم‌گیر نیست. از سویی، این مؤلفه‌ها به‌نوعی با یکدیگر در تعامل‌اند. برای مثال، برای ارتقای مشارکت اجتماعی، نیاز به تقویت اعتماد اجتماعی در مراحل آغازین برنامه‌ها است. ساکنان محلی باید به این باور و اعتقاد برسند که هرچه فرایند همراهی آن‌ها با طرح‌های توسعه‌ای مستحکم‌تر باشد، آثار درازمدت این طرح‌ها بر زندگی شخصی و بهبود رفاه اجتماعی در محیط پیرامونی بیشتر خواهد بود. برای ارتقای اعتماد اجتماعی، سهم‌کردن آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی قبل از اجرای طرح‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. ضمن اینکه با توجه به نفوذ و اثرگذاری معتمدهای محلی در این قبیل جوامع، می‌توان از ظرفیت آن‌ها هم برای آگاه‌سازی و هم ایجاد اعتماد بهره گرفت. برخلاف فعالیت گسترده مؤسسات و نهادهای غیردولتی برای بهبود شاخص‌های توسعه در منطقه (ساخت مدرسه، پروژه‌های اشتغال‌زا و...)، متأسفانه، ضریب مشارکت مستقیم ساکنان محلی و به‌ویژه متمولین بومی، بسیار پایین است. اگر در هر منطقه، افراد متمول و صاحب سرمایه شناسایی شده و از ظرفیت آن‌ها برای ایجاد و توسعه پروژه‌ها بهره بیشتری گرفته شود، این فرهنگ به مرور زمان، بیشتر در منطقه نهادینه شده است و تمایل به مشارکت در سطح اجتماع عمومی ارتقا خواهد یافت.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر بیان می‌شود.

- مشارکت بهره‌برداران و ذی‌نفعان طرح‌های توسعه‌ای در فرایندهای تصمیم‌گیری.
- تربیت تسهیلگران محلی برای ادامه کار و تقویت روحیه همکاری در سطح جامعه محلی.
- انتخاب نمایندگان و یا رابط‌ها از جامعه روستایی براساس ملاحظات خود مردم محلی.

- شناسایی رهبران محلی و توجیه آن‌ها در زمینه اهداف پروژه مورد نظر.
- حضور خبرگان و نمایندگان جامعه محلی در جلسات شورای برنامه‌ریزی شهرستان.
- اهتمام دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستاها برای تشکیل و راه‌اندازی انجمن‌ها و تعاونی‌های مختلف در سطح روستاها و تقویت نهادهای موجود.
- تشریح مزایای پروژه‌های عام‌المنفعه و ترغیب مردم به مشارکت و همکاری در برنامه‌ریزی، اجرا و حفظ و نگهداری از آن‌ها.

در پایان، باید به این نکته اذعان کرد که نتایج پژوهش حاضر، برای مناطقی که در آغاز راه توسعه پروژه‌های ترویجی و مشارکتی هستند، قابلیت کاربرد بیشتری دارد. زیرا وقتی در جامعه‌ای این فرایند به مرحله بلوغ و تکامل برسد، خود می‌تواند منجر به ارتقای شاخص‌های توانمندی در حوزه‌های مختلف شود. بنابراین، به محققان آتی پیشنهاد می‌شود ضمن ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سایر مناطق، آثار پروژه‌های ترویجی بر ارتقای سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی در ابعاد مختلف بررسی شود.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، حسن، رمضان‌نژاد، یاسر، خلیفه، ابراهیم، فتاحی، احدالله (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی فازی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان اسالم). *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، دوره ۵، شماره ۱۵، صفحات ۹۵-۱۰۸.
۲. باباخانی، اصغر، و واحدی، مرجان (۱۳۹۶). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در میزان موفقیت تعاونیهای شیلات استان ایلام. *نشریه تعاون و کشاورزی*، سال ۶، شماره ۲۲، صفحات ۷۹-۵۳.
۳. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: انتشارات نشر و پژوهش شیرازه.
۴. حسن‌آبادی، داوود، حاج‌علیزاده، احمد، و حیدروند، مسعود (۱۳۹۶). ارزیابی سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان در راستای توسعه پایدار محلی. *نشریه مرتع و آبخیزداری*، دوره ۷۰، شماره ۱، صفحات ۷۱-۸۶.
۵. حیدری ساربان، وکیل، باختر، سهیلا، و طالعی‌حور، وحید (۱۳۹۵). ارزیابی و تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان شیان، شهرستان اسلام‌آباد غرب. *فصل‌نامه زن و جامعه*، سال ۷، شماره ۴، صفحات ۵۰-۲۷.
۶. رحمت‌اللهی، حسین، آقامحمد، آقای، احسان، و بالوی، مهدی (۱۳۹۵). کاهش سرمایه اجتماعی، دولت و مشارکت مردم. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۳، صفحات ۴۳۵-۴۶۱.
۷. رضازاده، راضیه، و سلسله، علی (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی توسعه محله مینا. *فصل‌نامه مدیریت شهری*، شماره ۳۲، صفحات ۸۱-۱۰۰.
۸. رضایی، روح‌الله، و زارعی، شیما (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه زنان روستایی در مورد تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان (مورد مطالعه: روستای حسن‌خان، شهرستان قروه). *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات ۳۰۴-۲۸۷.

۹. زارع شاه‌آبادی، اکبر، اسلامی بهروز، و مهدی‌پور خراسانی، ملیحه (۱۳۹۱). بررسی تأثیر میزان سرمایه اجتماعی در موفقیت تعاونی‌های تولیدی شهر یزد. *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۱۱، صفحات ۲۱۴-۱۸۳.
۱۰. زارعی‌متین، حسن، شمسی، فاطمه، و ادیب‌زاده، مرضیه (۱۳۹۶). سرمایه اخلاقی مولد سرمایه اجتماعی. *نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱، صفحات ۴۴-۲۷.
۱۱. سرگلزایی‌جوان، طیب، و هادیانی، زهره (۱۳۹۵). امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد زاهدان. *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*، سال ۱۶، شماره ۶۳، صفحات ۲۱۴-۱۸۵.
۱۲. سلمانی، محمد، تقی‌پور، فریده، رمضان‌زاده لسبویی، مهدی، و جلیلی‌پروانه، زهرا (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت مدنی، تعامل اجتماعی و اعتماد) در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای باغستان و برون - شهرستان فردوس). *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۲، صفحات ۴۵-۲۳.
۱۳. عابدی‌سروستانی، احمد (۱۳۹۱). رویکردهای مشارکتی به توسعه، کاربردهایی برای ترویج و توسعه روستایی. *نشریه راهبرد توسعه*، شماره ۳۱، صفحات ۱۷۷-۱۶۲.
۱۴. عزیزپور فرد، فضل‌الله، قبادی علی‌آبادی، سارا، و چیدری، محمد (۱۳۹۳). تأثیر سرمایه اجتماعی در موفقیت تعاونی‌های دامداران شهرستان کوه‌دشت. *فصل‌نامه تعاون و کشاورزی*، دوره ۳، شماره ۱۲، صفحات ۲۱-۱.
۱۵. قربانی، مهدی، سالاری، فاطمه، و خراسانی، محمدامین (۱۳۹۵). تحلیل سرمایه اجتماعی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی (مورد: روستای بسطاق شهرستان سرایان). *فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۵، شماره ۱، پیاپی ۱۵، صفحات ۱۴۶-۱۲۵.
۱۶. قربانی، مهدی، راسخی، ساره، و کرمی، آزاد (۱۳۹۶). تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در استقرار مدیریت اجتماع محور روستایی (مورد مطالعه: شهرستان ریگان، استان کرمان). *فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۸، شماره ۲، صفحات ۲۴۰-۲۳۱.

۱۷. کاکاوند، الهام، آهنی، سمیه، زارعی، فاطمه، و هاشم پور، رحیم (۱۳۹۶). ارزیابی تطبیقی جایگاه سرمایه اجتماعی در ساختار محلات شهری با استفاده از تکنیک AHP (مطالعه موردی: شهر قزوین). فصل نامه آمایش محیط، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صفحات ۲۵-۴۶.
۱۸. محسنی تبریزی، علیرضا، و آقامحسینی، مریم (۱۳۸۹). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری؛ مورد پژوهی: شهر محلات. فصل نامه مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، صفحات ۱۶۲-۱۴۷.
۱۹. محمدیان منصور، صاحبه، جعفری، محمد، و مهرگان، نادر (۱۳۹۷). اندازه گیری و بررسی مقایسه ای سرمایه اجتماعی به تفکیک استان های کشور. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱، صفحات ۴۳-۶۶.
۲۰. ملک حسینی، افسانه، همزه ای، محمدرضا، حیدری، حسین، و بینائی، اکرم (۱۳۹۵). ارزیابی کیفی وضعیت سرمایه اجتماعی با به کارگیری نظریه بنیانی (مورد مطالعه: دهستان آبباریک، شهرستان سنقر و کلیائی). نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲، صفحات ۲۳۱-۲۰۹.
۲۱. موسوی، میرنجف، قنبری، حکیمه، و اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۱). تحلیل فضایی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری (مورد: شهرهای استان آذربایجان غربی). نشریه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۰، شماره ۲۷، صفحات ۱۷-۱.
۲۲. نمایان، فرشید، و میر، علی (۱۳۹۶). ترسیم مدل بومی سرمایه اجتماعی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با روش کیفی نظریه داده بنیاد. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱، صفحات ۷۴-۴۵.
۲۳. هادربادی، غلامرضا، ابراهیمی آذرخران، فریبا، و خاور، عادل (۱۳۹۵). ارزیابی سرمایه اجتماعی شبکه ذی نفعان محلی در راستای توانمندسازی جوامع روستایی (مورد مطالعه: روستای بزیجان، شهرستان محلات، استان مرکزی). فصل نامه پژوهش های روستایی، دوره ۷، شماره ۲، صفحات ۴۲۱-۴۰۶.

24. Angela, T., & Sarah, C. (2016). Embeddedness, social capital and learning in rural areas: The case of producer cooperatives. *Journal of Rural Studies*, 44, 101-110.
25. Bodin, O., & Prell, C. (2011). *Social network in natural resources management*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Boley, B. B., McGehee, N. G., Perdue, R. R., & Long, P. (2014). Empowerment and resident attitudes toward tourism: Strengthening the theoretical foundation through a Weberian lens. *Annals of Tourism Research*, 49, 33-50.
27. Dangi, T. B., & Jamal, T. (2016). An Integrated Approach to "Sustainable Community-Based Tourism". *Sustainability*, 8(5), 1-32.
28. Emma, K., Kristen, L., Katherine, F., Shields, R., & Cronk, J. (2017). The role of social capital and sense of ownership in rural community-managed water systems: Qualitative evidence from Ghana, Kenya, and Zambia,. *Journal of Rural Studies*, 56, 156-166.
29. Hall, B. L., Tandon, R., & Tremblay, C. (Eds.). (2015). *Strengthening community university partnerships: Global perspectives Victoria*. BC: PRIA and University of Victoria Press.
30. Ho, L., & Phi, K. (2011). The Role of social capital to access rural credit: A case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal of Thua Thien Hue province, *Master Thesis, Swedish University of Agricultural Sciences, Department of Urban and Rural Development (Online)*.
31. Lingxu, Zh., Eric, C., & Haiyan, S. (2017). Social capital and entrepreneurial mobility in early-stage tourism development: A case from rural China. *Tourism Management*, 63, 338-350.
32. Mansuri, G., & Rao, V. (2013). Can participation be induced? Some evidence from Developing Countries. *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 16(2), 284-304.
33. Ramezanpour, S., Amiryan, S., & Shirazi, A. N. M. (2014). Investigation of the relationship between entrepreneurial opportunity recognition and entrepreneurial capitals. *International Journal of Asian Social Science*, 4(5), 598-613.
34. Strzelecka, M., Boley, B. B., & Woosnam, K., K. (2017), Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered? *Annals of Tourism Research*, 66, 61-73.
35. Tran, T. A., James, H., & Pittock, J. (2018). Social learning through rural communities of practice: Empirical evidence from farming households in the Vietnamese Mekong Delta. *Learning, Culture and Social Interaction*, 16, 31-44.
36. Willis, C., & Stoeker, R. (2013). Grassroots organizations and leadership education. *Community Development*, 44(4), 441-455.